



۲۰۱۸/۰۵/۱۳

انجنیر سلطان جان کلیوال

چور و چپاول معادن سنگ های قیمتی در زون شرق کشور

(پیوسته به گذشته)

در مقاله های گذشته در مورد چور و به تاراج بردن معدن زمرد و لاجورد، معادن یاقوت و معادن سرپنتینیت و تلک، توسط باندهای مسلح و حلقه های مافیای به یغما بردن دارایی های ملی، وابسته به بیگانگان و دشمنان تاریخی ملت بزرگ افغان، معلومات نیم و نیمکله (تا جایی که برایم مقدور بود) به شما دوستان و خوانندگان گرامی شریک ساختم. درین نویشته کوتاه می خواهم چشم دیده ها و معلومات مؤثق خود را در مورد چور و چپاول معادن سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی که در ابتدای واکداری پروفیسور صبغت الله مجددی و پروفیسور برهان الدین ربانی در زون شرق (ولایات شرقی کشور) آغاز گردیده و تا اکنون به بدترین شکل ادامه دارند بدون کم و کاست با شما خوانندگان گرامی شریک سازم.

آنچه از دوستان و محققین گرامی و بادرک که می خواهند راجع به دوره های سیاه زمامداران جاسوس و به قدرت رسانده شده توسط بیگانگان و دشمنان تاریخی مردم افغانستان، به نسل های آینده این سرزمین چیزی از خود به یادگار بمانند، می توانند به حیث یک بخش کوچک کار خود ازین یاد آوری هایی که به صداقت و ایمانداری و بدون کدام غرض و مدعای شخصی می خواهم ارائه کنم، استفاده نمایند.

قبل از همه می خواهم که به شکل خیلی فشرده راجع به موقعیت جغرافیه وی معادن قیمتی و نیمه قیمتی مانند تورمالین، کونزیت، بیروج یا بریل، کوارتزها، گارنیتها، سرپنتینیت ها و غیره که اکثراً با هم به شکل جمعی و یکجای در رگ های احجار پیگماتایت دریافت می شوند معلومات ارائه نمایم:

نوت: (پیگماتایت عبارت از احجار ناریه می باشد که در مرحله آخری سرد شدن مگما در سطح زمین با کرسنال های بزرگدانه، به شکل رگ ها در بین احجار سطحی تشکل می یابد. این احجار در ترکیب خود منرال های خاص را دارا می باشند که در سایر انواع احجار به ندرت دیده می شوند).

احجار پیگماتایت در ولایات شرق و شمال شرق کشور (بدخشان، کاپیسا، لغمان، کونر نورستان و ننگرهار) نسبت به سایر ساحات افغانستان انتشار زیادتر دارند و به همین علت معادن سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی که به این تیپ احجار تعلق می‌گردد در همین ولایات زیاد به ملاحظه می‌رسند. من می‌خواهم به یغما بردن معادن ولایات لغمان، کونر، نورستان و ننگرهار و آن چیزی که خبر دارم با شما شریک سازم.

۱ - معادن سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی متذکره در ولایت لغمان قرار ذیل می‌باشند:

درین ولایت معادن بریل، تورمالین، کونزیت، سپودومین، گارنیت، کوارتز و غیره در نقاط ذیل وجود دارند: معدن مندول، معدن نیلاو، معدن کولام، معدن شماکت، معدن کورغال، معدن کلانن، معدن کله گوش و معدن شهیدان، و غیره. همه این معادن در قسمت نهایی و کوه دره الینگار ولایت لغمان موقعیت دارند و همه آنها دارای زخایر معدنی به کتگوری های صنعتی بوده و معادن متذکره دارای کیفیت عالی می‌باشند که نظیر شان در جهان کمتر دیده شده است.

۲ - معادن مذکور در ولایت کونر:

در ولایت کونر نقاط معدن خیز در ساحات ذیل تثبیت شده است: معادن دره پیچ، معدن پاپروک، معدن چوکی، معدن گورسلک، معدن پچیگرام، معدن پارون، معدن کانتیوا، معدن یاریگل، معدن درومگل، معدن پاشکی، معدن شامگل، معدن الما، معدن پرامگل، معدن ننگلام و ده ها معادن دیگر در جغرافیه این ولایت.

۳ - همچنان معادن بونی، مارید و آرانچ نورستان، معادن کشموند، معادن دره نور معادن زاوه و معادن اچین و اسدخیل ولایت ننگرهار که قبل از اجرای امور اکتشافی و جیالوجیکی دولتی کشف و مورد استفاده اهالی مناطق ذکر شده قرار داشت، قابل یاد آوری می‌باشند.

بعد ازین تذکرات اضافی، بر می‌گردیم به اصل مطلب که عبارت بود از چور و چپاول این سرمایه ملی کشور توسط دزدان، جنگسالاران و حلقات مافیہ وی تباهی و بربادی افغانستان، که در حقیقت توسط دشمنان این سرزمین مقدس طرح ریزی شده و به دست ابلهان بی‌خرد افغان، به خاطر ادامه عدم استقرار ثبات و پایداری دولت مرکزی به منصفه تطبیق قرار داده می‌شود.

در سال ۱۹۹۲ به اثر جنگ های تنظیمی در کابل با فامیلیم به شهر جلال آباد مجبور به کوچکشی شدم. بعد از یک مدت در یک انجو به نام Reconstruction and Development Association (RDA) که از طرف مؤسسات ملل متحد مثل (UNHCR & WFP) تمویل میشد به کار آغاز نمودم.

یک روز یکی از دوستان خسربره ام حاجی پیر محمد به نام زبیح الله پرمایچ که فرزند شخصیت شناخته شده نورستان مرحوم غلام رسول خان؟ پرمایچ، سابق والی ولایت بغلان؟ بود، از من خواست که خانه اش که در هده موترهای کونر در نزدیکی پُل بهسود موقعیت داشت، غرض امور دفتری به کدام انجو به کرایه ماهانه بدهم.

من با انجنیر عتیق الله که در دفتر (یو، ان، ایچ، سی، آر) جلال آباد کار می کرد و قبلاً به من گفته بود که برای امور دفتری به کدام جایی که در موقعیت مناسب قرار داشته باشد ضرورت دارد، تماس گرفتم و بالاخره آنها خانۀ جناب پرماچ را خوش کردند و انرا به کرایه ماهانه گرفت. بعد از یک مایه زیبیح الله پرماچ آمد و گفت که شما با رفقای کار تان و اعضای دفتر (یو، ان، ایچ، سی، آر) در باغ بند درونته به فلان روز مهمان ما هستید. به روز معینه به درونته رفتیم و یک میله کباب شینواری کردیم. بعد از صرف طعام زیبیح الله خان پرماچ صاحب که دیگر دوستم شده بود و ما را پوره می شناخت که مسلکم سروی جیالوجی در انکشاف معادن هست، با دو نفر دیگر در یک گوشه بُرد و طور مذاق از من پرسید که کلیوال صاحب این دفتر ماهانه چقدر معاش برایت می دهند؟ گفتم شش صد دالر امریکایی. گفت قانع استی؟ گفتم بلی بسیار قانع استم. خنده کرد و گفت می خواهی معاش و یا بهتر بگویم کماهی بیشتر داشته باشی؟ گفتم این دیگه چه گونه سؤال است کی نمی خواهد که عاید بالاتر داشته باشند؟ گفت خی بیبا بشین و با این دونفر که از دوستان خوب و اعتباری من هستند گپ بزن.

در یک گوشه نشستیم و گفتم خوب می شنوم، یکی از آنها که به زبان نیمه پشتو صحبت می کرد و معلوم می شد که باید از اهل نورستان باشد برایم گفت:

ما در چندین معادن بریل و دیگر نگینه ها در ولایت کنر و نورستان کار می کنیم و به شخصی مثل شما که نگینه ها را بشناسد خیلی ضرورت داریم، گرچه دو سه نفر پنجابی های مسلکی همراهی ما کار می کنند ولی یکی خو به آنها چندان اعتماد نیست و دیگر ساحۀ کار ما وسیع است و آنها رسیدگی کرده نمی توانند اگر شما می خواهید به اعتبار زیبیح جان ما به مسؤل کلان، کار خود می گویم که همراهی شما ببیند و کار را شروع کنید.

برایم خیلی دلچسپ شد که باید در زمینه معلومات زیادتر بدست بیاورم گفتم خوب است ولی قبل ازینکه با مسؤل کار شما ببینم چند چیزی را از شما می خواهم بپرسم.

گفت «سمه ده هرڅه چی مونږ معلومات در کولی شو ولی نه»

گفتم چند معاش می دهید؟ گفت معاش فیکس نیست، مربوط به کار است هر قدر که محصولات نگینه ها زیاد بدست بیاید به همان اندازه معاش و یا فائده زیادتر می شود.

گفتم بصورت تقریبی؟ گفت تقریباً بالاتر از یکنیم هزار دالر امریکایی.

گفتم امر عمومی کار کیست؟ گفت نمی دانم شاید کدام خارجی باشد.

گفتم از داخلی ها کی این کار را تنظیم می کند؟ گفت برادر زمانیکه کار را شروع کردی باز خواهی فهمید که کی ها درین کار شامل است.

گفتم برادر! من به خاطر کدام مطلب دیگر این چیزها را پرسان نمی کنم، من بخاطر مصونیت خود باید بفهمم که آیا در پیشبرد چنین وظیفه که یک کار غیر قانونی است، من مصون هستم یا نه؟ گفت می توانی این تشویش خود را در وقت ملاقات با امر کار ما رفع بسازی. گفتم خوب است هر وقت که امر تان می خواست با ما ببیند به زیبیح جان بگوئید من به هر جایی که تعیین می کند می آیم.

ازین بحث بین ما و دو نفر از دوستان زیبیح الله پرماچ قریب دو ماه سپری گردید ولی کدام خبری نشد. بعد از یک زمان یکروز دوباره با زیبیح الله پرماچ روبرو شدم، ازو پرسیدم که دوستان شما که در معادن کار می کنند تا اکنون

بمن تماس نگرفت، تو میدانی چرا؟ جناب پرماچ گفت: انجنیر صاحب من معذرت می خواهم، ازینکه باید قبلاً به شما اطلاع می دادم که با گروپ مذکور کار نکنید که خطر ناک شده، ولی نسبت مصروفیت ها شما را نتوانستم در جریان بگذارم. گفتم خیر باشد چه گپ شده؟ زبیح الله پرماچ قصه را چنین بیان کرد:

« گروپهای خیلی زیاد مصروف این کار شده است، در معادن ولایت کنرها گروپ مولوی جمیل الرحمان به سر کردگی برادر زاده اش تسلط دارند و با بعضی از قوماندانان حزب اسلامی حکمتیار که می خواهند در ان سهم داشته باشند، در تمام مناطق معدنی کنر با مخالفت مواجه شده اند و تا اکنون در چندین نقاط بین آنها برخورد مسلحانه هم صورت گرفته و همین دیروز شنیدم که یک انجنیر مراکشی در دره پیچ کشته شده است. هم چنان در معادن دره نور و کشموند ننگرهار بین حضرت علی قوماندان حزب اسلامی یونس خالص و گلینا خان قوماندان حرکت اسلامی مولوی محمد نبی محمدی که هر دوی شان باشندگان دره نور هستند، جنگ های شدید صورت گرفته و یک تعداد مجاهدین شان هم به قتل رسیده است. به همین صورت برای تصرف معادن دره الینگار لغمان اختلافات شدید بین قوماندانان حزب اسلامی حکمتیار قای معلم عبدالله جان والی لغمان، ناصر خان قوماندان امنیه لغمان یک طرف و قوماندانان محمدعلم قرار از (شورای نظار مسعود و فعلا وکیل در پارلمان) از طرف دیگر بوجود آمده که باشندگان محلات متأثر ازین ناحیه که هر دقیقه تصور برخورد مسلحانه موجود است سخت به تشویش است. بناءً به نظر من خوب شد که آنها تا اکنون با شما تماس نگرفته و اگر احیاناً در آینده با شما در تماس شدند، اگر معاش زیاد هم برایت پیشنهاد کردند به نظر ما نباید قبول کنید.»

من از اطلاع دادن آغای پرماچ تشکر نمودم و برایش گفتم: زبیح جان اگر آنها برایم ده هزار دالر ماهانه هم بدهند من به هیچ وجهه علاقه مند به کار با آنها نبوده و نیستم، زیرا این کار آنها برایم خیانت درجه یک ملی معلوم می شود و من اگر از گشنگی هم بیمرم حاضر به چنین کار نیستم. من صرف به این علاقه مندی داشتم که با تماس با کدام شخص مسؤول آنها اگر بدانم که کی ها درین کار ضد ملی شریک هستند، نه به خاطر کار. اکنون که شما همه باند های شریک درین معامله را برایم آشکار ساختید دیگر نه ضرورت به تماس است و نه به ملاقات.

از دیدن ما و زبیح الله جان پرماچ دیری نگذشته بود که قوماندان ناصرخان توسط قوماندان علم قرار در ولایت لغمان با چند تن دیگر اعضای برجسته حزب اسلامی حکمتیار به قتل رسیدند، و بعد ازین کشتار، انجنیر قرار روابط خود را با شورای نظار قوماندان مسعود برقرار نمود.

پیش از آن به اثر اختلافات در چور و چپاول دارایی های شخصی مردم خصوصاً اهل هنود شهر جلال آباد، دارایی های عامه و غصب زمین های دولتی کانال ننگرهار شمالی خان قوماندان محاذ ملی پیر سید احمد گیلانی و مسؤول امنیت ملی (خاد) ولایت ننگرهار توسط گروپی از اعضای شورای جهادی ولایت ننگرهار که در رأس آن حاجی عبدالقدیر والی ننگرهار قرار داشت به پیشروی مقر مقام ولایت به قتل رسیده بود.

این زد و خورد ها تا تسلط طالبان بین این گروپ های مسلح جهادی ادامه داشت، ولی شبکه پی چور و چپاول نخبایر معدنی که از دره پنجشیر آغاز می گردید مثل یک زنجیر به ولایت بدخشان تا کوه های چترال ادامه داشت و شاخه دیگر آن از لوگر تا سروبی، ننگرهار، لغمان، کونر و نورستان تا کوه های چترال و از آنجا به مارکیت های پاکستان

می رسیدند، و بدتر از همه اینکه تا اکنون همین محصولات معدنی در بازار های جهان غرب تحت مارک تجارتي پاکستان به نام محصولات جغرافيه پاکستان به فروش می رسند.

تا اکنون به شکل درست نمی دانم که در دوره زمامداری طالبان که گروپ های جهادی متلاشی شده بودند، آیا چور و چپاول معادن مذکور همچنان ادامه داشت یا متوقف گردیده بود، و اگر ادامه داشت توسط کی ها؟؟ زیرا همزمان با آمدن طالبان من با فامیل خود از وطنم مهاجر شدم، و در سال های اول مهاجرت نظر به مشکلات و مصروفیت های فامیلی در یک ملک بیگانه از همه مسایل وطنی به دور و بی معلومات ماندم.

ولی از آغاز دوره حامد خان کرزی تا اکنون بصورت دقیق می دانم که در تمام کشور چور و چپاول معادن مختلف النوع در بالاتر از ده هزار نقاط معدن خیز، کار های استخراجی از طرف زور واکان داخلی به همکاری شبکه های قاچاقبران خارجی بصورت غیر فنی صورت می گیرد، که نیمی و یا هم زیادتیر از دولت مردان کنونی نه تنها که در آن سهیم اند، بلکه همه امور مربوطه را مدیریت و مراقبت می کنند.

هیچ کس نمی داند که این اعمال تباه کننده تا به کدام زمان ادامه خواهد داشت و این ملت تا به کدام وقت در اسارت این خائنین ملی خواهند بود؟ (والله اعلم) پای.

